

تبیین وضعیت فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران بر اساس مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران

یوسف نامور^۱، محمد یمنی دوزی سرخابی^۲،

محمدامین قانع‌ی راد^۳، محبوبه عارفی^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۲۰، تاریخ تایید: ۹۷/۰۸/۱۹

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین وضعیت فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران با رویکرد کیفی انجام شد. داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۴ نفر از صاحب‌نظران آموزش عالی جمع‌آوری شد. کدگذاری باز و محوری روی داده‌های مصاحبه انجام و از روش تحلیل مضمون استفاده شد. داده‌های به‌دست‌آمده با توجه به سؤالات مصاحبه در شش محور درک افراد از فرهنگ دانشگاه، مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاه و توصیف وضعیت آن‌ها، عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر فرهنگ دانشگاه، پیامدهای فرهنگ دانشگاه، راه‌حل‌های مطرح‌شده ارائه شد. هنجارهای علمی، ارتباطات، برخورداری از ویژگی‌های انسان دانشگاهی، رفتارهای دانشگاهی، استقلال دانشگاهی، زندگی در محیط دانشگاه و اخلاق دانشگاهی به‌عنوان مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی ذکر شد در خصوص مؤلفه‌های دانشگاهی، تصویر مطلوبی ارائه نمی‌شود و در نهایت اعطای استقلال به دانشگاه، مهندسی در فرهنگ دانشگاهی و توسعه اجتماعات علمی و... به‌عنوان راهکار مطرح می‌شود. نتایج این تحقیق برای سیاست‌گذاری در خصوص فرهنگ دانشگاهی قابل‌استفاده است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ دانشگاهی، هنجارهای علمی، انسان دانشگاهی، استقلال دانشگاهی، اخلاق دانشگاهی

^۱ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی در آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی. (نویسنده مسئول)
yosefy650@yahoo.com

^۲ استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی؛ m-yamani@sbu.ac.ir

^۳ استاد گروه پژوهشی علم و جامعه، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور؛ ghaneirad@nrsp.ac.ir

^۴ دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی؛ arefi6@gmail.com

دانشگاه‌های ایران از یک‌سو با بحران تولید علم مواجه هستند از سوی دیگر بیشتر علوم تولیدشده ارتباط چندانی با نیازهای جامعه ایران ندارد چراکه آمارهای ارائه‌شده از شاخص‌های تولید علم همچون تعداد مقالات (به‌عنوان اصلی‌ترین شاخص) و افزایش آن، به کاهش مسائل و مشکلات کشور منجر نشده است، بسا خود این افزایش در تولیدات علمی منجر به بروز برخی نارسایی‌های دیگر، ازجمله کمرنگ شدن هنجارهای علمی (سرقت علمی، تولید مقالات جعلی و ...) هم شده است که می‌توان از آن تحت عنوان فساد آموزشی هم در نظام آموزش عالی یاد کرد که با شاخص‌هایی همچون پایان‌نامه نویسی، مقاله‌نویسی، تألیف و ترجمه به‌جای دانشجویان و اساتید و ... یاد کرد. محیط‌های دانشگاهی، ترغیب‌کننده و طالب یادگیری و آموزش و پژوهش نیست اجتماع علمی در دانشگاه‌ها صورت نمی‌گیرد و دغدغه‌های دانشجویان در دانشگاه عمدتاً فردی و تماشگرانه است. این‌ها و بسیاری از موارد دیگر، ازجمله مواردی هستند که حکایت از ناکارآمدی فرهنگ دانشگاه دارند که نیازمند توجه جدی است. فرهنگ دانشگاهی یکی از عوامل مؤثر بر چگونگی توسعه علمی در هر جامعه‌ای است، یعنی بین چگونگی و مختصات فرهنگ دانشگاهی و میزان رشد و توسعه دانشگاهی و تولیدات علمی رابطه وجود دارد (فاضلی، ۱۳۸۷: ۸۳). فرهنگ دانشگاه در طول سال‌های اخیر تغییر کرده است و البته همواره دستخوش تغییر و انسجام یافتن بوده و هست که از عوامل مرتبط با تغییر فرهنگ دانشگاه می‌توان به توده‌ای شدن آموزش عالی، جهانی‌شدن و گسترش کاربردهای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات اشاره داشت (قانع‌ی راد و همکاران، ۱۳۹۳). فرهنگ دانشگاهی دربرگیرنده معانی، ارزش‌های مشترک و هنجارهایی است که از تاریخ علم و دانشگاه و داستان‌های اکتشافات و ارتباطات دانشمندان و تجربیات زیسته دانشگاهی سرچشمه می‌گیرد و منشأ و سبکی از زندگی، حس هویت و اخلاق و منش و کنش انسان دانشگاهی می‌شود (فراستخواه، ۱۳۸۸). کورتازی و جین (۱۹۹۷) فرهنگ دانشگاهی را عبارت از «نظام باورها، انتظارات و اعمال فرهنگی درباره اینکه چگونه باید به نحو دانشگاهی عمل کرد» می‌دانند. این تعریف وجوه عاطفی، احساسی و ارتباط کنش انسان دانشگاهی را در برنمی‌گیرد و تنها بر نقش فرهنگ دانشگاهی در تعیین شیوه عمل فرد تأکید دارد. منظور از انسان دانشگاهی صرف دانشجوی، دانش‌آموخته یا مدرس دانشگاهی بودن نیست، بلکه کسی است که بتواند ارزش‌ها، باورها و هنجارها یا به تعبیر دقیق‌تر و جامع‌تر، فرهنگ دانشگاهی را در خود درونی سازد و هویت دانشگاهی را به‌مثابه هویتی مستقل و متمایز

از هویت‌های دیگر بیابد. انسان دانشگاهی کسی است که بتواند شیوه زندگی دانشگاهی را در دوران تحصیل و عضویتش در اجتماعات علمی و دانشگاهی بیاموزد و چنان بر آن ممارست کند که آن شیوه زیستن، شیوه غالب بر زندگی، احساسات، عواطف و شخصیتش شود (فاضلی، ۱۳۸۷). هر دانشگاهی فرهنگ منحصر به فرد و ویژه‌ای دارد. این فرهنگ از تاریخ موسسه آموزشی نشأت می‌گیرد و ریشه در سنت دارد. این سنت هم به نوبه خود آن تاریخ را تقویت می‌کند و برای آشنا کردن جدیدالورودها با فرهنگ با تعریف ارزش‌های فرهنگی کار می‌کند. فرهنگ دانشگاه، سنت و ارزش‌ها نه تنها مهم هستند، بلکه برای تندرستی موسسه حیاتی هستند چون پایداری و تداوم موسسه را فراهم می‌سازند (Simplico, 2012:1).

دانشگاه‌ها با بسیاری از مسائل دست‌به‌گریبان هستند، دانشگاه‌ها از مسائل آموزشی رنج می‌برند، پژوهش واقعی کمتر صورت می‌گیرد، بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها که یکی از شاخص‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان است، در حد نام باقی‌مانده است و خبری از بین‌المللی شدن واقعی دانشگاه‌ها نیست. حل این معضلات با راه‌حل‌های سطحی ممکن نیست بلکه به عمق‌ها باید اندیشید. یکی از موارد ریشه‌ای شناخت فرهنگ دانشگاه است. شناخت فرهنگ دانشگاه زیربنای شناخت مسائل مختلف آموزشی، پژوهشی، خدماتی، کارآفرینی و فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه از یک سو و مسائل مربوط به دانشجویان، اعضای هیأت علمی، کارکنان و مدیران دانشگاه از سوی دیگر است. زیرا بسیاری از مسائل ناشی از فرهنگ دانشگاه است و عوامل دیگر بیشتر ثانوی هستند تا علت‌العلل. لذا شناخت این مسائل و چاره‌جویی برای آن به منظور حل چالش‌هایی که دانشگاه را با آن مواجه می‌سازد، در مرحله نخست، نیازمند درک عمیق و شناخت دقیق فرهنگ دانشگاه از ابعاد مختلف است. فرهنگ دانشگاه تأثیر زیادی بر کارکردهای دانشگاه دارد، یک عامل کنترل‌کننده دارد، احساس هویت در اعضای دانشگاهی به وجود می‌آورد و همچنین موجب ثبات و پایداری سیستم دانشگاه می‌شود. از سوی دیگر مطالعه فرهنگ دانشگاهی سبب شناخت تضادهای واقعی یا بالقوه در سطح دانشگاه می‌شود، سبب درک ابعاد نمادین و ابزاری تصمیمات و اقدامات می‌شود و موجب شناخت تفاوت‌های درون‌گروهی می‌شود (صبغیان، ۱۳۸۸: ۷۷).

اندیشمندان دلایل پرداختن به مقوله فرهنگ دانشگاه را ناشی از رقابتی شدن محیط، کاهش منابع مالی عمومی، تغییرات به وجود آمده در نقش دانشگاه‌ها در جامعه و احساس نیاز بیشتر به مدیریت دانشگاهی برای پاسخ به مسائلی چون انطباق با محیط، اثربخشی، ارزیابی، ارتباطات، پاسخگویی و هماهنگی می‌دانند (ذوالفقارزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶). با همه اهمیتی که فرهنگ

دانشگاهی در آموزش عالی و روند توسعه علمی و عملکرد نظام آموزش عالی دارد، در مطالعات آموزش عالی و علم پژوهی مغفول واقع شده است و اندک مطالعات صورت گرفته هم به صورت جامع به این موضوع نپرداخته است لذا پژوهش حاضر در راستای تحقق این امر صورت گرفته است. هدف این پژوهش شناسایی وضعیت فرهنگ دانشگاهی و تبیین آن است در این راستا اهداف فرعی به این صورت مطرح می‌شوند: منظور از فرهنگ دانشگاه چیست؟ مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاه از چه مضامینی تشکیل شده است؟ عوامل درون دانشگاهی مؤثر بر فرهنگ دانشگاه چیست؟ عوامل برون دانشگاهی مؤثر بر فرهنگ دانشگاه چیست؟ پیامدهای فرهنگ دانشگاه چیست؟ و در نهایت راهکارهای بهبود فرهنگ دانشگاه چیست؟

مبانی نظری

جامعه‌شناسان، علم را «نهاد اجتماعی» دارای «فرهنگ مستقل» می‌دانند که دارای باورها، ارزش‌ها و معیارهای خاص خود است. دانشگاه یک موسسه و سازمان حرفه‌ای مربوط به علم است. بحث بر سر علم و دانشگاه در واقع، بحث بر سر نوع خاصی از نگرش‌ها و سلسله ارزش‌های اجتماعی، سبک زندگی، الگوهای خاصی از حل مسأله، نوع متفاوتی از قضاوت کردن، تعامل با دیگران، اداره زندگی اجتماعی، شیوه مدیریت و رهبری است. علم و دانشگاه فرهنگ خاص خود را دارند (موحد و عطاران، ۱۳۸۹).

در نظریه‌های فلسفه آموزش عالی، فلسفه وجودی فرهنگ دانشگاهی از طریق ویژگی‌هایی همچون انضباط فکری، جست‌وجوی بی‌طرفانه حقیقت، وفاداری به آن، شهروندی مدرن، ارتباط اخلاق با جامعه و پاسخگویی اجتماعی و ... توضیح داده می‌شود. فرهنگ دانشگاهی بر مبنای این نظریه‌ها، ارزش‌ها و انتظاراتی را، هم برای فعالیت‌ها و برنامه‌های تحصیلی و هم برای فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویی به میان می‌آورد. نظریه‌های جامعه‌شناسی به فرایند اجتماعی شدن مجدد علمی دانشجویان از طریق فرهنگ و زندگی دانشگاهی متمرکز می‌شوند. در یک گروه بزرگ از نظریات که نماینده برجسته آن مرتون است، محور این فرایند، درونی شدن هنجارهایی مانند عام‌گرایی، اشتراک گرایی، بی‌طرفی و شک سازمان‌یافته در دانشجویان است. آن‌ها تدریجاً این فرهنگ دانشگاهی را می‌پذیرند که (۱) معرفت علمی معرفتی عام و بین‌الذهانی در سطح جهانی است و آن را باید بر حسب محتوا سنجید و نه بر حسب موقعیت‌های جغرافیایی خاصی که صاحبان آن معرفت دارند (عام‌گرایی)؛ (۲) معرفت علمی دستاورد مشترک انسانی و محصول

همکاری‌های جمعی بشری است و نوعی مالکیت مشاع در آن وجود دارد و هرگونه امساک و پنهان داری در آن یک ضد هنجار است (اشتراک گرایی)؛ ۳) کار علمی، علی‌الاصول، باید به‌صورت مستقل از اعتقاد دینی، روابط سیاسی و اقتصادی و برکنار از جانبداری و سوگیری پیش برود (بی‌طرفی)؛ ۴) معرفت علمی قرین شک و انتقاد مداوم است (شک‌سازمان‌یافته). در گروه دیگری از نظریات جامعه‌شناختی که کسانی مانند هگستروم، بوردیو و کالینز در آن قرار دارند، فرهنگ دانشگاهی از طریق ارتباطات و تعاملات وسیع‌تر «اجتماع علمی» توضیح داده می‌شود. اجتماع علمی هنجارها، قواعد، روال‌ها و روش‌های خود را به وجود می‌آورد و اخلاقیات و منش خاصی را ایجاد می‌کند و اختیارات و سلسله‌مراتبی را مشروعیت می‌بخشد که مضامین معرفت‌شناختی، اخلاقی و حرفه‌ای دارد. برای مثال، دانشجویان مرجعیت استادان راهنما را می‌پذیرند، خود را ملزم به ارجاع دادن به منابع می‌دانند. به رأی داوران علمی احترام می‌گذارند و از طریق روابط علمی، به لحاظ عاطفی سرشار می‌شوند. شناسایی و تأیید اجتماع علمی را شرطی معتبر برای مشروعیت نوشته‌های علمی تلقی می‌کنند و با مدنظر قرار دادن تمایزهایی که «انسان آکادمیک» داراست، تحصیلات دانشگاهی را بستری برای کسب سرمایه‌های نمادین می‌دانند (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

اگرچه مطالب گفته شده تنها دیدگاه حاکم در حوزه فرهنگ دانشگاهی نیست بلکه برخی اندیشمندان نظر دیگری دارند. از جمله سیلور^۱ (۲۰۰۳) فایده‌مندی استفاده از مفهوم فرهنگ در محیط دانشگاه را زیر سؤال می‌برد و بر اساس مشاهداتش به این نتیجه می‌رسد که مفهوم فرهنگ در دانشگاه، به لحاظ اجتماعات چندگانه، متکثر و متنوع آن کاربرپذیر نیست؛ تا جایی که حتی اگر دانشگاه را مجموعه‌ای از چند خرده‌فرهنگ متنوع و منقطع هم در نظر بگیریم، در نهایت کمک‌چندانی نمی‌کند و از آنجا که ادراک استادان از دانشگاه، ادراکی آشوبناک و آنا‌رشی گونه با مجموعه‌ای از خرده‌فرهنگ‌هایی است که در تنش‌های دائمی، مخرب و نامعقول با یکدیگر به سر می‌برند، اساساً نمی‌توان برای دانشگاه، فرهنگ در نظر گرفت و در حال حاضر دانشگاه فاقد فرهنگ‌سازمانی است (ذوالفقارزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶).

با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع کیفی است در پژوهش‌های کیفی از چارچوب نظری از پیش تعیین‌شده جهت تدوین و آزمون فرضیات که بر مفاهیم و موضوعات عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد

¹ Silver

استفاده نمی‌کنند (ماکسول، ۲۰۰۵)، لذا در این پژوهش هم از چارچوب نظری استفاده نشد و به جای آن تنها به پیش‌زمینه‌های مفهومی و نظری اشاره شد. هدف از این پیش‌زمینه‌ها دستیابی به دانش زمینه‌ای برای فرایند گردآوری و تفسیر داده‌ها، بدون جدا ساختن آن‌ها از مبنایشان در میدان پژوهش است. در تحقیق کیفی همه مفاهیم مربوط به پدیده در مکان یا مجموعه خاص مورد مطالعه، هنوز مشخص نشده یا اگر مشخص شده‌اند، هنوز روابط بین مفاهیم به خوبی درک نشده و یا از نظر مفهومی به حد کافی رشد نیافته‌اند (فلیک، ۱۳۸۷).

پیشینه تحقیقات

خلاصه تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی در چهار محور دانشجویان و اساتید، محیط‌های دانشگاهی، فرهنگ آموزش و یادگیری و عوامل مؤثر بر فرهنگ دانشگاهی خلاصه می‌شود:

در حوزه دانشجویان و اساتید نتایج تحقیقات انجام شده در خصوص فرهنگ دانشگاه نشان داد که فاصله نسلی میان استاد و دانشجو وجود دارد (فراستخواه، ۱۳۹۵) و استادان به خاطر شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه و همچنین سیاست‌گذاری‌های علمی و هدایت نادرست درگیر مناسبات استثمار با دانشجویان بدون انگیزه شده‌اند (مهدیه، همتی و ودادهیر، ۱۳۹۵). نتایج تحقیق قاضی طباطبایی و ودادهیر (۱۳۷۷) هم نشان داد که از منظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی استادان آنها در رفتار واقعی شان در گروه آموزشی و در ارتباط با دانشجویان بیشتر پایبند ضد هنجارهای علم هستند و کمتر به هنجارهای علم اقتدا می‌کنند. البته بین استادان نسل اول و نسل سوم در تولید دانش و رعایت هنجارهای علمی تفاوت وجود دارد و تولید دانش در استادان نسل سوم بیشتر از نسل اول است اما این افزایش کمی بوده و توأم با کاهش پایبندی به هنجارهای علم صورت گرفته است. نتایج تحقیق ذاکر صالحی و نظریان (۱۳۹۳) نشان‌دهنده عدم کنشگری دانشجویان در عرصه تولید و مصرف علم، ضعف سنت‌ها، اسطوره‌ها، ارزش‌ها، عادات، آیین‌ها و دستاوردهای دانشگاهی در زندگی دانشجویی هست. همچنین بیانگر ضعف شکل‌گیری اجتماع علمی و هنجارهای آن و نیز دغدغه‌های دانشجویان عمدتاً فردی و تماشاگرانه و منفعل و غیرایدئولوژیک است. طبق نتایج تحقیق محسنی تبریزی، قاضی طباطبایی و مرجانی (۱۳۸۹) تبعیت دانشجو از هنجارها و ضد هنجارها ناشی از تبعیت محیط آموزشی از هنجارها و ضد هنجارهاست. هویت حرفه‌ای دانشجویان وضعیت مطلوبی ندارد (دهینگ و بارتمن، ۲۰۱۳). تحقیق طایفی (۱۳۷۸) هم به فهرست طولانی از ضعف‌های فرهنگ

علمی-پژوهشی کشور اشاره دارد که ازجمله آن‌ها تقلید گرایی، پرهیز از برخورد نقادانه و پرسشگری، تفرد و بی‌اعتمادی، تقیه و پنهان کاری، بی‌توجهی به هنجارهای اخلاق علمی مانند سرقت علمی مطالب دیگران، آماده خوری فرهنگی و علمی یا عدم تمایل برای تلاش در راه تولید علمی، گسترش پول گرایی در تحقیقات کشور، ابهام در نظام ارزش گذاری فعالیت‌های علمی، فرهنگ سازمانی ایستا، ضعف روحیه و اخلاق پرسشگری، ضعف منطق علمی و شک سازمان یافته در اندیشه پژوهشگران و بالاخره ضعف در اشاعه سامانمند یا نظام گرا است.

در خصوص عوامل مؤثر بر فرهنگ دانشگاهی تحقیقات احمدی، پسندیده و دهقان زاده (۱۳۹۴) نشان داد که وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و همچنین تحولات فرهنگ‌های مختلف جامعه ایرانی، گسترش بی‌منطق دانشگاه‌ها در ایران برای پاسخ به مزایا و تقاضاها و سپس توده گرایی دانشگاه، اعطای رانت‌های گوناگون در قالب سهمیه و بورسیه در تغییرات فرهنگی دانشگاه تأثیرگذار هستند.

در خصوص محیط دانشگاهی تحقیق قانعی راد، ملکی و محمدی (۱۳۹۳) نشان داد که هدف نهاد دانشگاه در جامعه تحقق نیافته است دانشگاه‌ها با نوعی بی‌هنجاری فرهنگ علم مواجه هستند. دانشگاه فاقد استقلال نهادی است (فاضلی، ۱۳۸۲). محیط‌های دانشگاهی ترغیب کننده و طالب یادگیری و آموزش و پژوهش نیست تقلید بدون آگاهی و نبود سیستم پرسشگر، مانع از رشد علمی و انتقال مهارت به دانشجویان می‌شود. شرایط علمی و دانشگاهی به‌ویژه در حوزه علوم انسانی بحرانی است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴). جریان جامعه‌پذیری در دانشگاه ضعیف و ناکارآمد صورت می‌گیرد (مهديه، همتی و ودادهیر، ۱۳۹۵). تحقیق مرجانی (۱۳۹۰) هم بیشتر مسائل و چالش‌های آموزش عالی را ناشی از ساختارها، فرایندها و عوامل ساختاری می‌داند تا عوامل فردی که به میزان افزایش مسائل در محیط آموزش تبعیت از محیط آموزش و هنجارهای دانشگاهی کاهش پیدا می‌کند. تحقیق تبریزی و همکاران (۱۳۸۹) هم حکایت از ضعف محیط علمی در درونی کردن هنجارهای دانشگاهی در دانشجویان است. تحقیق فراستخواه (۱۳۸۶) هم وضعیت اخلاق علمی در دانشگاه‌ها را بحث‌انگیز می‌داند و برخی از عوامل آن را سایه دولت بر دانشگاه، قیومیت گرایی، مزدبگیری دولتی و سیطره سیاست و ایدئولوژی بر علم می‌داند. طبق تحقیق قاضی طباطبایی و ودادهیر (۱۳۷۷) مؤلفه‌ها و ویژگی‌های دانشگاهی و دپارتمانی ایران ضد هنجار پرورند تا هنجار پرور. دانشگاهیان حسرت گذشته را می‌خورند و وضعیت فعلی دانشگاه را بدتر از گذشته می‌دانند و به کمبود زمان برای خواندن، نوشتن و فکر کردن اشاره

دارند که فقدان احساس شخصی، فقدان استقلال و آزادی دانشگاهی را به همراه دارد که احساس بدتر شدن وضعیت را نشان می‌دهد (لیوکی، ۲۰۰۵).

در خصوص فرهنگ آموزش و یادگیری، تحقیق فاضلی (۱۳۸۲) نشان داد که نظام آموزش در دانشگاه‌های ایران استادمحور، اقتدارگرایانه، غیرمشارکتی، تک‌صدایی و یادگیری منفعل، ایستا و غیربازتابی است.

مرور تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر میزان توجه به مقوله فرهنگ دانشگاهی افزایش یافته است و این ناشی از درک عمیق مشکلات آموزش عالی است. اما علیرغم این توجه، تحقیقات انجام شده نگاه جامع به مقوله فرهنگ دانشگاهی نداشته‌اند و بر اساس یکی از مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی به آن توجه داشته‌اند و به معرفی مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی به صورتی که در این پژوهش به آن پرداخته‌شده است نپرداخته‌اند. از این‌رو انجام این پژوهش می‌تواند گامی در جهت معرفی مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی به‌طور جامع و همچنین عوامل مؤثر بر آن‌ها باشد و شکاف دانشی موجود در این زمینه را پر کند.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با روش کیفی از نوع گرند تئوری انجام شد. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز برای پاسخ به سؤالات تحقیق از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با روش گلوله برفی انجام شد به این صورت که برای شناسایی نمونه‌های بعدی از مشورت نمونه‌های قبلی استفاده شد در نهایت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ نفر از صاحب‌نظران آموزش عالی و کسانی که در حوزه آموزش عالی و دانشگاه تجربه اجرایی داشتند انجام شد (مصاحبه‌شوندگان از بین خبرگان که فعالیت پژوهشی در حوزه فرهنگ دانشگاهی داشتند و همچنین افرادی که سابقه ریاست دانشگاه و وزارت آموزش عالی داشتند انتخاب شدند که به خاطر رعایت اصل امانت‌داری و گمنامی مصاحبه‌شوندگان ویژگی‌های آن‌ها ذکر نمی‌شود درعین‌حال در پیش محقق اسامی آن‌ها محفوظ است) و با توجه به اصل اشباع مصاحبه تا زمانی ادامه یافت که داده جدیدی در مصاحبه به دست نیاید. بعد از انجام مصاحبه فایل‌های صوتی مصاحبه به‌صورت متن درآمد و بعدازآن با نرم‌افزار MAXQDA کار تحلیل انجام شد. تحلیل متن‌های مصاحبه با روش کدگذاری باز و کدگذاری محوری انجام شد و یافته‌ها به شرح جدول (۱) به دست آمد.

برای مشروعیت بخشی و صحه‌گذاری بر یافته‌ها و تحلیل‌ها از معیارهای باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تصدیق‌پذیری لینکلن و کوبا (۱۹۸۵) استفاده شد. برای تضمین باورپذیری از روش بازبینی اعضا استفاده شد. به‌منظور تضمین انتقال‌پذیری تلاش شد تا تمام جزئیات تشریح شود. در خصوص تضمین اطمینان‌پذیری تلاش شد تا تعداد معینی از آگاهان کلیدی برای مصاحبه انتخاب شوند و برای تضمین تائیدپذیری تمام مصاحبه‌ها ضبط شد و با دقت پیاده‌سازی شد.

برای رعایت امانت‌داری و گمنام ماندن مصاحبه‌شوندگان از آوردن نام مصاحبه‌شوندگان اجتناب می‌شود و بدون ذکر نام آن‌ها گفته‌های آن‌ها بیان می‌شود.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این تحقیق بعد از کدگذاری به‌طور خلاصه به شکل جدول زیر ارائه می‌شود.

جدول ۱: شناسایی و تبیین وضعیت فرهنگ دانشگاه بر اساس مصاحبه با خبرگان آموزش عالی

تجارب و دیدگاه‌های خبرگان دانشگاه	فرهنگ دانشگاه عبارت است از فرهنگ کارکردهای دانشگاه، یعنی فرهنگ آموزش، فرهنگ پژوهش و فرهنگ کارآفرینی.
	فرهنگ دانشگاه همان فرهنگ علم است که با خودش روابط و ارزش‌های خاصی می‌آورد.
	فرهنگ دانشگاه همان فرهنگ‌سازمانی دانشگاه است که اشاره به نحوه زندگی نیروی انسانی در سازمان دارد
	فرهنگ دانشگاه عبارت است از یگانگی در رفتار و جامعه‌پذیری با ارزش‌های دانشگاه.
	فرهنگ دانشگاه عبارت است از زمینه اطلاعاتی که امور دانشگاه را جهت می‌دهد
	فرهنگ دانشگاه عبارت است از روابط حاکم باثبات در دانشگاه
	فرهنگ دانشگاه عبارت است از مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، ایده‌ها و سنت‌های مستقر در دانشگاه
	فرهنگ دانشگاه متشکل از خرده‌فرهنگ‌های دانشگاه است یعنی فرهنگ دانشجویان، فرهنگ اساتید، فرهنگ کارکنان و فرهنگ مدیران دانشگاه
مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاه	هنجارهای علمی (برخورداری از آزادی علمی، آزادی بیان و ... اجتناب از سرقت علمی و ...)
	ارتباطات و تعاملات پیچیده (روابط اساتید با هم با دانشجویان، روابط دانشجویان با هم، روابط دانشجویان با کارکنان و مدیریت و ...)
	برخورداری از ویژگی‌های انسان دانشگاهی (تفکر علمی، تعصب نداشتن، روحیه نقادی و ...)
	رفتارهای دانشگاهی (توجه به نظم، توجه به قوانین دانشگاهی، حضور در فعالیت‌های دانشگاهی و ...)
	برخورداری از استقلال دانشگاهی
	زندگی در محیط دانشگاه (کمپس لایف)
	اخلاق دانشگاهی

مؤثر بر فرهنگ دانشگاه	مؤثر بر فرهنگ دانشگاه	گسترش کمی (تغییر سیاست آموزشی از نخبه‌گرایی به توده‌گرایی)
		عدم توجه به شایسته‌سالاری
		عدم ارتباط رشته‌ها با همدیگر
		بی‌اعتمادی نسبت به خود
		هویت ضعیف دانشجویان
		فقدان یا ضعف استمرار تاریخی
		ستادی شدن دانشگاه
		کیفیت هیأت علمی
		نظارت ضعیف در فرایندهای دانشگاهی
		آیین‌نامه‌های دانشگاهی و سیاست‌های علمی کشور
		فهم ناقص از ایده دانشگاه
		تعارض نسل‌های دانشگاهی
		داشتن روحیه فردگرایی
		سوق یافتن به فرهنگ مادی‌گرایی
		نظام حقوق و دستمزد
مؤثر بر فرهنگ دانشگاه	مؤثر بر فرهنگ دانشگاه	تمرکز مراکز تصمیم‌گیری
		ضعیف بودن آزادی علمی در دانشگاه‌ها
		ناپلئونی بودن الگوی آموزش در دانشگاه‌ها
		مطالبات مردم و ارباب‌رجوع
		تشکل‌های سیاسی و مذهبی
		علمی نبودن فرایند تصمیم‌گیری
		تعدد مراکز تصمیم‌گیری
		کمبود آزادی علمی در دانشگاه‌ها
		فرهنگ جامعه و خانواده
		سیاست‌های علمی کشور
پایه‌های فرهنگ دانشگاهی	پایه‌های فرهنگ دانشگاهی	توده‌ای شدن آموزش عالی
		پایین آمدن کیفیت دانشگاه‌ها
		ضعف عملکرد و بی‌توجهی به بروندهای دانشگاه
		نارضایتی دانشگاهی
		کاهش منزلت استادان
		فرار مغزها
		مدرك محوری
		عدم مسئولیت اجتماعی

اجتناب از ساده‌انگاری و توجه به جوانب مختلف فرهنگ دانشگاه
ایجاد اعتماد و کم کردن تناقض‌ها
ایجاد شفافیت در سیستم دانشگاهی
ایجاد سیستم ارزشیابی و اعتبارسنجی دانشگاه‌ها
ثبات مدیریت
آموزش بدو خدمت و ضمن خدمت
توجه به دارا بودن شرایط احراز مشاغل دانشگاهی
توسعه اجتماعات علمی
بهبود و ارتقاء ارتباطات
روی آوردن به عقلانیت و تصمیم‌گیری مبتنی بر عقلانیت
مهندسی در فرهنگ دانشگاهی
بازنگری برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاه‌ها
مهم تلقی کردن فرهنگ دانشگاه
بازتعریف ایده دانشگاه
اعطای استقلال به دانشگاه‌ها
الگوسازی

ادراکات و تعاریف خبرگان از فرهنگ دانشگاه

فرهنگ و دانشگاه هر دو مفهوم پیچیده و مبهمی است که این پیچیدگی قطعاً در ترکیب این دو مفهوم هم وجود دارد لذا تعریف واحدی از این ترکیب وجود ندارد از دیدگاه خبرگان، تعاریفی که از فرهنگ دانشگاه به عمل آمد در عین تشابه‌ها تفاوت‌هایی هم باهم داشتند. برخی از مصاحبه‌شوندگان فرهنگ دانشگاه را برحسب کارکردهای آن تعریف می‌کرد و می‌گفت: «دانشگاه کارکرد آموزشی دارد، کارکرد پژوهشی دارد، کارکرد فناورانه دارد؛ قائل‌تاً فرهنگ هم باید حول‌وحوش آن کارکردهای اصلی‌اش شکل بگیرد و تعریف شود». مصاحبه‌شونده دیگر آن را با فرهنگ علم یکسان می‌دانست که یک نظام کنترلی نانوشته ایجاد می‌کند که نمی‌توان خارج از آن چارچوب عمل کرد. فرهنگ دانشگاه، همان فرهنگ سازمان است که هر سازمانی فرهنگ متمایزی نسبت به دیگری دارد و مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهایی هست که رهبران آن سازمان تدارک می‌بینند و ترسیم می‌کنند. خبره دیگر آن را جامعه‌پذیری با دانشگاه می‌داند و می‌گوید: «معنای فرهنگ دانشگاهی این می‌شود که افراد بیرون از دانشگاه با هر شخصیت و اعتباری که باشند وقتی وارد دانشگاه می‌شوند باید در مدیریت کلاس، پژوهش و آزمایشگاه یگانه رفتار کنند و کسی که از بیرون نگاه می‌کند بداند که این‌ها مبتنی بر یک فرهنگ رفتار

می‌کنند» فرهنگ جهت دهنده دانشگاه است و در نهایت مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و سنت‌ها، نمادهای دانشگاهی، اسطوره‌ها و... است. نکته نهایی اینکه دانشگاه‌ها تنوع زیادی دارند لذا فرهنگ دانشگاه‌ها هم واحد نیست و از تنوع برخوردار است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گویند: «بعید است بتوانیم بگوییم یک فرهنگ وجود دارد فرهنگ‌های مختلفی وجود دارد».

مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاه

صاحب‌نظران و خبرگان مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی را عبارت از هنجارهای علمی، ارتباطات و تعاملات، رفتارهای دانشگاهی، استقلال دانشگاهی، زندگی در محیط دانشگاهی، اخلاق دانشگاهی، آزادی بیان، فرهنگ آموزش، فرهنگ پژوهش و فرهنگ یادگیری می‌دانند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص ارتباطات و تعاملات در دانشگاه‌ها و روابط استاد و دانشجو می‌گوید: «روابطشان باید کاملاً دوستانه و بر اساس رفاقت باشد و این به معنای دوستی‌های رایج در جامعه نیست که به خاطر آن دوستی‌ها آدم یک سری اخلاق را زیر پا بگذارد منظور این است که این افراد که وارد دانشگاه می‌شوند و با این اساتید کار می‌کنند حس نکنند که دوستانی پیدا کرده‌اند که بتوانند راجع به موضوعات مختلف چه علمی، چه دانشگاهی، چه اجتماعی و چه شخصی با اساتیدشان ارتباط برقرار کنند و صحبت بکنند و نظر مشورتی بگیرند.» یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان از ناسالم بودن روابط در دانشگاه و رقابت ناسالم بین اساتید گله می‌کند و می‌گویند: «یک رقابت ناسالم حاکم است استادان برای اینکه موقعیت خودشان را تثبیت کنند به حذف رقیب می‌پردازند و برای انجام این کار به روش‌های مختلف متوسل می‌شوند. به‌ویژه بخشی از هیأت علمی که دارای پست اجرایی هستند همچنین افراد یافته‌های علمی خودشان را در اختیار هم قرار نمی‌دهند» در بین دانشجویان هم این ارتباطات وجود دارد، «گاهی استادان هم با آن‌ها همکاری می‌کنند در پایان‌نامه‌ها این رفتار را می‌بینید زمانی که پایان‌نامه یا رساله‌ای می‌خواهد دفاع شود سعی می‌کنند برای آن دانشجو نمره بیشتری را از استاد داور طلب کنند علیرغم اینکه به ضعیف بودن کارش اذعان دارند».

رفتارهای دانشگاهی هم به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی یاد می‌شود و وضع آن هم نامطلوب بیان می‌شود: «اینکه دانشجویان اول‌ترم کلاس را تعطیل می‌کنند، قبل از عید تعطیل می‌کنند، یعنی یک‌چهارم کلاس‌ها تشکیل نمی‌شود، این‌ها فرهنگ دانشگاهی را به شکل منفی می‌سازند، شما هیچ دانشگاه بزرگی در جهان را نمی‌توانید ببینید که به این اندازه تعطیل باشد.»

در خصوص استقلال دانشگاه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی یکی از خبرگان می‌گوید: «به چند تا از دانشگاه‌های بزرگ استقلال اندکی دادند، اما هنوز هم برنامه‌ریزی‌های آموزشی از یکجا و به‌صورت متمرکز است مثلاً تغییر سرفصل دانشگاه نمی‌تواند توسط خودش انجام شود و اختیار آن را ندارد». مصاحبه‌شونده دیگر وضعیت استقلال دانشگاه‌های ایرانی را با دانشگاه‌های غربی مقایسه می‌کند و می‌گوید: «در کشورهای توسعه‌یافته حرف اول و آخر را دانشگاه می‌زند، استقلال دانشگاه را کسی نمی‌تواند خدشه‌دار کند حتی رئیس‌جمهور آن مملکت». اخلاق دانشگاهی یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی هست یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌گویند: «یک مشکل دیگر در دانشگاه‌ها مسأله بی‌اخلاقی است استاد حرمت همکار را نگه می‌دارد - همه این‌گونه نیستند ولی جو غالب این‌گونه است - دانشجو حرمت استاد را نگه نمی‌دارد و استاد هم برخوردش با دانشجو خوب نیست» خبره دیگری می‌گوید: «وقتی که اخلاق دانشگاهی نباشد استاد برای اینکه ترقی پیدا کند مقاله جعل می‌کند. دانشجو برای اینکه ترقی کند جلوی دانشگاه تز می‌خرد». یکی از خبرگان اخلاق را بال دوم دانشگاه در کنار آموزش و پژوهش به‌عنوان بال اول تلقی می‌کند. وی می‌گوید: «دانشگاه هرچقدر هم قوی باشد و از نظر آموزش و پرورش یک دانشجو خوب تربیت کند اگر بال دوم را که اخلاق و انسانیت است را بهش نیاموزد مثل پرنده است که یک بال آن را قطع کنید چگونه می‌تواند پرواز کند؟» فرهنگ دانشگاه بر اساس کارکردهای دانشگاه هم مطرح شده است.

عوامل درونی دانشگاهی مؤثر بر فرهنگ دانشگاه

ازجمله عوامل درونی که چنین وضعی را در فرهنگ دانشگاهی به وجود آوردند و بر آن تأثیر گذاشتند عبارتند از: گسترش کمی (تغییر سیاست آموزشی از نخبه‌گرایی به توده‌گرایی)، عدم توجه به شایسته‌سالاری، عدم ارتباط رشته‌ها با همدیگر، بی‌اعتمادی نسبت به خود، هویت ضعیف دانشجویان، فقدان یا ضعف استمرار تاریخی، ستادی شدن دانشگاه، کیفیت هیأت علمی، نظارت ضعیف در فرایندهای دانشگاهی، آیین‌نامه‌های دانشگاهی و سیاست‌های علمی کشور، فهم ناقص از ایده دانشگاه، تعارض نسل‌های دانشگاهی، داشتن روحیه فردگرایی، سوق یافتن به فرهنگ مادی‌گرایی، نظام حقوق و دستمزد، تمرکز مراکز تصمیم‌گیری، ضعیف بودن آزادی علمی در دانشگاه‌ها، ناپلئونی بودن الگوی آموزش در دانشگاه‌ها.

یکی از خبرگان می‌گوید: «در طول هفت هشت سال گذشته دانشگاه‌ها چند برابر گسترش یافتند، در گذشته مثلاً دانشگاه شهید بهشتی در دانشکده علوم تربیتی هر دو سال یک استاد استخدام می‌کرد این استاد به تدریج فرهنگی که در طول سال‌ها در آن دانشگاه وجود داشت را یاد می‌گرفت و جامعه‌پذیر می‌شد اما وقتی ما در زمان کوتاه استادان زیادی را استخدام کردیم دو اتفاق افتاد چون فرصت کوتاه بود مجبور بودیم آدم‌های درجه دو را هم استخدام کنیم همچنان که وقتی دانشگاه را زود گسترش دادیم دانشجوی درجه ۲ هم وارد دانشگاه شد، لذا یک‌مرتبه لهجه دانشگاه در زمان کوتاهی عوض شد گسترش بی‌رویه مضرات بسیار زیادی دارد که یکی از آن‌ها پایان‌نامه فروشی در مقابل دانشگاه است». مصاحبه‌شونده دیگری می‌گویند: «یک‌دفعه حجم عظیم دانشجو به دانشگاه تزریق می‌شود، یک‌دفعه کلاس چهل نفر کلاس پنجاه نفر، دانشجوی دکتری، دانشجوی ارشد... پایان‌نامه‌ها ضعیف می‌شود دقت کم می‌شود در کلاس فرصت بحث و گفتگو پیدا نمی‌کنید محیط دانشگاه به محیط فرسایشی تبدیل می‌شود و هیأت علمی هم احساس فرسودگی می‌کند».

از سوی دیگر «انتخاب‌ها اکثراً بر اساس حزب‌بازی و رفاقت‌بازی انجام می‌شود.» و شایسته‌سالاری نادیده گرفته می‌شود. بنابراین یکی از مصاحبه‌شوندگان اکثر مدیران دانشگاهی ایران را فاقد شایستگی لازم می‌دانند و عدم توجه به فرهنگ دانشگاهی را ناشی از آن می‌دانند. رشته‌ها فاقد ارتباط با همدیگر هستند و از دنیای همدیگر فاصله دارند به‌ویژه رشته‌های فنی لازم است دروسی را از رشته‌های انسانی داشته باشند. خودکم‌بینی هم از عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ دانشگاهی ما هست. یکی از خبرگان در این باره می‌گویند: «یک نقطه‌ضعف فرهنگ ما همین عقده حقارتی هست که نسبت به غرب هست اگر یک‌چیزی از غرب آمده باشد برایشان شأن دارد یک کسی که پست داک خود را در غرب گذرانده باشد نسبت به کسی که پست داک خود را در ایران گذرانده باشد ارجحیت دارد یک استادیار از غرب بیاید در مقابل یک استاد ما... آن استادیار را ارجح می‌دانند نسبت به استاد اینجا...» و این خودکم‌بینی منجر به هویت ضعیف و یا بی‌هویتی دانشجویان می‌شود.

یکی از خبرگان ضعف استمرار تاریخی را عوامل مؤثر در فرهنگ دانشگاهی می‌دانند و در مقام مقایسه با دانشگاه‌های غرب می‌گویند: «در غرب همان مدارس قدیم تبدیل شدند به دانشگاه‌های مدرنی چون آکسفورد و کمبریج. ولی در ایران مدارس قدیم راه خودشان را ادامه

دادند و دانشگاه مدرن هم در کنار آنها تأسیس شد بنابراین اینجا ما استمرار تاریخی نداریم آن انباشت و استمرار تاریخی را نداریم»

یکی از خبرگان هم به‌نوعی بر آیین‌نامه‌های دانشگاهی و نگاه کاسب‌کارانه در آن را بیان می‌کند و آن را بر فرهنگ دانشگاهی تأثیرگذار می‌داند «سیستمی که الان شما دارید یعنی سیستم ارتقای اعضای هیأت علمی، شما به قدم بردارید می‌گویند یک امتیاز داری اما اشتباه بزرگیست در دانشگاه‌ها در سیستم آموزش عالی اومدیم این کار رو نمره نمره کردیم اینجور متکی کردیم همه‌چیز رو به مقاله ببین مثلاً استاد همه‌چیز را فراموش کردند شاگرداشون رو درس دادنشون دانشگاه رو فقط من هم مثل شما همون این استادیاره ۸ دانشجوی دکترا بگیرم ۸ تا فوق‌لیسانس بگیرم ۸ تا مقاله هست یک سال زودتر دانشیار میشم حالا پدر یک عده درمیاد به عده آدم ویروسی تولید می‌کنند.»

و دیگر اینکه در ایران ایده دانشگاه ناقص فهمیده شده است و در آن تعارض نسل‌های دانشگاهی وجود دارد و همچنین روحیه فردگرایی به‌جای روحیه کارگروهی حاکم باشد در حالی که کار علمی باید گروهی باشد و مفهوم دانشگاه-یونیورسیتی-به معنای صنف و اتحادیه است و بنابراین روحیه فردی به فرهنگ دانشگاهی آسیب می‌زند. یکی از خبرگان در این خصوص می‌گویند: «یاسپرس می‌گوید الان اساتید ما مثل میمون‌های باغ نخل بنارس است بنارس یک شهری در هند است پر از میمون هست میمون‌ها می‌روند روی درخت‌ها لانه می‌گیرند و هیچ کاری هم به کار همدیگر ندارند البته ایشان می‌گوید گاهی نارگیل‌هایی هم به‌طرف همدیگر پرتاب می‌کنند و سروکله همدیگر را خونی می‌کنند»

نظام حقوق و دستمزد و وضعیت معیشتی اساتید و کارکنان دانشگاه یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ دانشگاه است یکی از خبرگان در خصوص نحوه تأثیرگذاری حقوق و دستمزد بر فرهنگ دانشگاه می‌گوید: «یک‌دفعه می‌بینی هیأت علمی از حقوق کافی برخوردار نیست این اثر منفی می‌گذارد به دنبال معیشت ارزش‌ها یواش‌یواش سست می‌شود تغییر پیدا می‌کند یعنی یک‌دفعه هیأت علمی میشه یک عنصر اقتصادی، آقا من باید معیشتم را تأمین کنم من باید چند جا درس بدهم حالا تو چی می‌گی راجع به فرهنگ دانشگاهی. من اصلاً وقت نمی‌کنم جزوه خودم را بروز کنم این‌همه‌اش لطمه می‌زند.»

و در نهایت اینکه نظام آموزشی در ایران از الگوی ناپلئونی تبعیت می‌کند که این الگوی ناپلئونی آموزش محور، دولتی، سلسله‌مراتبی، مدرک محور است و بنابراین فرهنگ خاص

خودش را دارد ریشه‌های مدرک‌گرایی را باید در پیگیری الگوی ناپلئونی از ابتدای تأسیس دانشگاه تهران و حتی قبل از دانشگاه تهران، دانست.

عوامل برون دانشگاهی مؤثر بر فرهنگ دانشگاه

علاوه بر عوامل درونی تأثیرگذار بر فرهنگ دانشگاه، عواملی بیرون از دانشگاه هم وجود دارند که بر فرهنگ دانشگاه تأثیر می‌گذارند که از جمله آن‌ها می‌توان به مطالبات مردم و ارباب رجوع، تشکلهای سیاسی و مذهبی، علمی نبودن فرایند تصمیم‌گیری، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، کمبود آزادی علمی در دانشگاه‌ها، فرهنگ جامعه و خانواده، سیاست‌های علمی کشور، توده‌ای شدن آموزش عالی اشاره داشت.

یکی از خبرگان می‌گوید: «مثلاً مردم استان آذربایجان غربی می‌توانند بگویند که مسأله کشاورزی اینجا داریم این دانشکده کشاورزی کاری به مسأله کشاورزی ما دارد یا اینکه هیچ کاری ندارد هیچ ارتباطی ندارد».

یکی از خبرگان در خصوص تعدد مراکز تصمیم‌گیری می‌گوید: «دانشجو رفته‌تر را کپی کرده و دانشکده صفر داده است بعد می‌رود و از یک جای دیگر نامه می‌آورد که به این آقا یک‌تر دیگر بدهید، این اصلاً درست نیست».

یکی از خبرگان در خصوص چگونگی تأثیرگذاری خانواده و جامعه بر فرهنگ دانشگاه می‌گوید: «شما ببینید این خانواده‌ها چگونه هستند این بچه‌ها را چگونه تربیت کردند چه جور خودخواه و از خودراضی و خودبین و (کم‌کار) کم‌کار و (زیاده‌خواه) همه این‌ها فرهنگ خانواده‌هاست.» وی همچنین می‌گوید: «آنچه جامعه و صداوسیما تبلیغ می‌کنند و روی آن تأکید دارند، فرهنگ جامعه را شکل می‌دهند و این فرهنگ ورود می‌کند به دانشگاه».

خبرگان سیاست‌های علمی کشور را به‌عنوان عامل بیرونی تأثیرگذار بر فرهنگ دانشگاه نام می‌برند یکی از خبرگان در این باره می‌گوید: «سیاست علمی کشور بلوغ لازم را ندارد واقع‌گرا نیست شاید مفاهیمی در آن بکار می‌رود که باهم تعارض دارند یا بلندپروازانه هستند یا قابلیت اجرایی ندارند یا با جامعه علمی مشورت نشده است این‌ها همه از بیرون فشار می‌آورد به فرهنگ دانشگاهی. وقتی شما تجاری شدن و دانشگاه نسل سه را میاری بدون اینکه تأملی روی آن داشته باشی طبیعتاً این مشکلات به وجود میاد»

پیامدهای فرهنگ دانشگاه

قطعاً فرهنگ موجود دانشگاه‌ها عواقب و پیامدهایی دارد که ازجمله آن پیامدها می‌توان به پایین آمدن کیفیت دانشگاه‌ها، ضعف عملکرد و بی‌توجهی به بروندهای دانشگاه، نارضایتی دانشجویی، کاهش منزلت استادان، فرار مغزها، مدرک محوری و عدم مسئولیت اجتماعی اشاره کرد.

یکی از خبرگان می‌گوید: «اولین چیزی که قربانی خواهد شد کیفیت هست. و خروجی این سیستم هم فارغ‌التحصیلانی هستند که یا علم کافی رو ندارند و یا از سوی دیگر آماده نیستند که همون اطلاعات محدود خودشان را به‌صورت عملی به کار بندند» خبره دیگر اشاره دارند که دانشجو نه متخصص می‌شود و نه توانا می‌شود و نه ویژگی‌های دانشگاهی در وی شکل می‌گیرد و هویت دانشگاهی هم به دست نمی‌آورد.

یکی از خبرگان هم پیامد این وضعیت فرهنگ دانشگاهی را فرار مغزها می‌داند و عامل آن را هم تبعیض در جامعه می‌داند خبره دیگر هم از گرایش به فرار مغزها در سطوح پایین تحصیلی خبر می‌دهد. پیامد دیگر فرهنگ دانشگاهی موجود عدم احساس مسئولیت اجتماعی است. یکی از خبرگان می‌گوید: «مسئولیت اجتماعی در فرد ایجاد نشده است در قبال محیط‌زیست، کمبود آب، ارزش‌های اجتماعی خود، نیروی انسانی دانشگاه و ... حساسیت نشان نمی‌دهد»

راهکارهای بهبود وضعیت فرهنگ دانشگاه

ازجمله راهکارهایی که برای بهبود وضعیت فرهنگ دانشگاه مطرح شده است عبارتند از: اجتناب از ساده‌انگاری و توجه به جوانب مختلف فرهنگ دانشگاه، ایجاد اعتماد و کم کردن تناقض‌ها، ایجاد شفافیت در سیستم دانشگاهی، ایجاد سیستم ارزشیابی و اعتبارسنجی دانشگاه‌ها، ثبات مدیریت، آموزش بدو خدمت و ضمن خدمت، توجه به دارا بودن شرایط احراز مشاغل دانشگاهی، توسعه اجتماعات علمی، بهبود و ارتقاء ارتباطات، روی آوردن به عقلانیت و تصمیم‌گیری مبتنی بر عقلانیت، مهندسی در فرهنگ دانشگاهی، بازنگری برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاه‌ها، مهم تلقی کردن فرهنگ دانشگاه، بازتعریف ایده دانشگاه، اعطای استقلال به دانشگاه‌ها، الگوسازی، بازنگری برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاه‌ها.

یکی از خبرگان می‌گوید: «به جوانب مختلف باید توجه شود فرهنگ و تغییر فرهنگ و تغییر رفتار انسان‌ها کاری تدریجی است حداقل ۱۵ تا سی سال باید برایش وقت در نظر گرفت با یک

بخشنامه هیچ اتفاقی نمی‌افتد یک روندی رو به‌سوی رشد یا یک تمایلی رو به‌سوی سقوط می‌تواند حاصل شود»

ثبات در مدیریت هم یکی از راه‌های بهبود فرهنگ دانشگاه مطرح شده است یکی از خبرگان از کوتاه بودن دوره مدیریت دانشگاه‌ها گله داشت و می‌گفت: «دوره مدیریت در دانشگاه‌ها خیلی کوتاه است، ثبات ندارند این‌ها باید درست انتخاب شوند در یک فرآیند معتبری و با نگاه فراجناحی و غیرسیاسی انتخاب شوند و دوران مدیریتشان هم طولانی و حداقل باید ۸ سال باشد»

یکی از خبرگان کم کردن فاصله‌ها و افزایش ارتباطات را در ارتقاء فرهنگ دانشگاه مفید می‌دانند و می‌گویند: ارتباط دانشجو و استاد «خیلی باید پررنگ بشود این فاصله زیاد است و پارک تحقیقاتی و این چیزها کار استاد شاگردی است با نجاری فرقی ندارد و دستشان توی دست همدیگر باشد».

به فرهنگ دانشگاه باید توجه شود «نکته شروع این است که فرهنگ دانشگاه در دستور کار وزارت علوم قرار بگیرد برایش اهمیت فائق بشود ارزش این را بداند بالاخره تحول باید از حاکمیت شروع شود... یعنی شما باید وجود فرهنگ دانشگاهی در هر دانشگاه را جزو ارزش‌ها ترویج کنید مهم تلقی کنید» و در نهایت اینکه «برای این حرکت از وضعیت موجود به مطلوب، نیاز به مهندسی در فرهنگ دانشگاهی داریم» برای مهندسی در فرهنگ دانشگاهی هم شناخت وضع موجود و وضع مطلوب لازم است و ترسیم راه‌حل‌های رسیدن به وضع مطلوب با در نظر داشتن نگرش سیستمی گزینه مطلوبی باید باشد. البته اعطای استقلال و الگوسازی و اهمیت آن‌ها در بهبود فرهنگ دانشگاه را هم نباید نادیده گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد این پژوهش با هدف شناسایی وضعیت فرهنگ دانشگاه در ایران و تبیین آن با رویکرد کیفی و از طریق مصاحبه با خبرگان آموزش عالی انجام شد. نتایج به‌دست‌آمده نشانگر آن است که فرهنگ دانشگاه تعریف واحدی در بین خبرگان دانشگاهی ندارد و برداشت‌های گوناگونی از فرهنگ دانشگاه صورت می‌گیرد. بر اساس نتایج تحقیق مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاه شامل هنجارهای علمی، ارتباطات و تعاملات پیچیده، برخورداری از ویژگی‌های انسان دانشگاهی، استقلال دانشگاهی و اخلاق دانشگاهی است. بخش‌هایی از نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. وضعیت فرهنگ دانشگاهی در

دانشگاه‌های ایران بر اساس نتایج این تحقیق مطلوب و رضایت‌بخش نیست نتایج این تحقیق با بخشی از نتایج تحقیقات ذاکر صالحی و نظریان (۱۳۹۳)، قانعی راد، امیرملکی و زهرا محمدی (۱۳۹۳)، فراستخواه (۱۳۸۶)، فاضلی (۱۳۸۲) و قاضی طباطبایی و ودادهیر (۱۳۷۷) همسو است. نتایج تحقیق فراستخواه (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که اخلاق علمی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی وضعیت بحث‌انگیزی دارد نتایج این تحقیق هم از زوال اخلاق دانشگاهی در ایران حکایت دارد که از این حیث با نتایج تحقیق ایشان همسویی دارد. بخشنامه‌های دانشگاهی در نادیده گرفتن اخلاق دانشگاه و بی‌هنجاری علمی کم‌بی‌تأثیر نیستند اینکه همه‌چیز بر مقیاس نمره دیده می‌شود و استاد و دانشجو قدم‌های خود را صرفاً بر اساس کسب امتیاز برمی‌دارند و مقاله و پایان‌نامه صرفاً برای کسب امتیاز انجام می‌شود به بی‌اخلاقی دانشگاهی دامن می‌زنند. مقاله‌نویسی و پایان‌نامه فروشی و ترجمه و تألیف نیابتی مقاله و پایان‌نامه و کتاب نتیجه بی‌توجهی به اخلاق دانشگاهی و زوال آن است. البته ناگفته نماند اساتید نسل‌های مختلف از حیث توجه به اخلاق دانشگاهی و هنجارهای علمی تفاوت دارند و اساتید نسل اول بیشتر به هنجارهای علمی نسبت به اساتید نسل‌های بعدی به‌ویژه نسل سوم و چهارم برخورد دارند. برای بهبود وضعیت اخلاق دانشگاهی ایجاد شفافیت در سیستم دانشگاهی، ایجاد سیستم ارزشیابی و اعتبارسنجی دانشگاه‌ها و تغییر در آیین‌نامه‌های دانشگاهی راهکارهای مناسبی باشند.

نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق نشان از تأثیرگذار بودن گسترش کمی، هویت ضعیف دانشجویان، ستادی شدن دانشگاه، نظارت ضعیف، آیین‌نامه‌های دانشگاهی، بدفهمی ایده دانشگاه، تعارض نسل‌های دانشگاهی، برخورداری از روحیه فردگرایی، علمی نبودن فرایند تصمیم‌گیری بر وضعیت فرهنگ دانشگاهی دارند این یافته‌ها با بخشی از یافته‌های تحقیق رفیع پور (۱۳۸۱)، قانعی راد، ملکی و محمدی (۱۳۹۳) و مهدیه، همتی و ودادهیر (۱۳۹۵) همخوانی دارد. روحیه فردگرایی نتیجه نگاه رقابتی و رویه‌های رقابتی در آموزش و پرورش و به دنبال آن آموزش عالی است دانش‌آموزان به‌جای تمرین همکاری، رقابت را می‌آموزند. و این روحیه فردگرایی بر فرهنگ دانشگاه تأثیر می‌گذارد. یکی از راهکارهای بهبود هویت دانشجویان، بهبود تعاملات و شبکه اجتماعی یادگیری در دانشگاه هست.

پیامدهایی که وضعیت موجود فرهنگ دانشگاهی می‌تواند به بار آورد بر اساس نتایج این تحقیق فرار مغزها، پایین آمدن کیفیت دانشگاه‌ها، نارضایتی دانشگاهیان، مدرک محوری و بی‌توجهی به مسئولیت‌های اجتماعی به‌دست‌آمده است. دانشگاه ارتباط نزدیکی با جامعه و

مشکلات موجود در آن ندارد مسئولیت‌های اجتماعی دانشگاه به فراموشی سپرده شده است دانشگاه باید مسئولیت‌های اجتماعی خود را بپذیرد مسأله محیط‌زیست، کمبود آب، ریزگردها و ... بخشی از مسئولیت‌های اجتماعی دانشگاه را تشکیل می‌دهد که باید در راستای آن‌ها تلاش کند. این یافته با بخشی از یافته‌های احمدی و همکاران (۱۳۹۵) همسو است بر اساس نتایج تحقیق آن‌ها، محیط‌های دانشگاهی ترغیب‌کننده نیستند و مانع رشد علمی و انتقال مهارت به دانشجویان می‌شود.

بر اساس نتایج این تحقیق راهکارهای مطرح شده برای بهبود فرهنگ دانشگاهی ایجاد شفافیت در سیستم دانشگاهی، ثبات مدیریت، توسعه اجتماعات علمی، توسعه ارتباطات علمی، بازنگری در برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاه‌ها، اعطای استقلال به دانشگاه‌ها و بازتعریف ایده دانشگاه است. این نتایج با یافته‌های شن و تیان (۲۰۱۲)، دهینگ و بارتمن (۲۰۱۳) و کولیتی (۲۰۰۷) همخوان است.

فرهنگ دانشگاه وضع مطلوبی ندارد و این امر پیامدهای نامطلوبی به همراه داشته است و نشان می‌دهد که اهداف دانشگاه‌ها تحقق نیافته است. دانشگاه‌ها نتوانسته‌اند جلوی فرار مغزها را بگیرند و علیرغم گسترش دانشگاه‌ها بر تعداد کسانی که به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند افزوده می‌شود توسعه اجتماعات علمی می‌تواند بسیاری از نارسایی‌های فرهنگ دانشگاه را کاهش دهد و به بهبود آن کمک کند البته نباید اعطای استقلال و اثرات آن بر فرهنگ دانشگاه را هم نادیده گرفت. از نتایج این تحقیق برای شناخت وضعیت فرهنگ دانشگاهی و همچنین سیاست‌گذاری در آموزش عالی برای بهبود این وضعیت قابل استفاده است. مدیران دانشگاهی هم می‌توانند در راستای بهبود وضعیت فرهنگ دانشگاهی از راه شناسایی مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاه و برنامه‌ریزی برای هدایت و رهبری درست آن‌ها از نتایج این تحقیق استفاده کنند.

منابع

- ابراهیمی، روناک؛ عدلی، فریبا؛ و مهران، گلنار (۱۳۹۴). نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش‌آفرینی از دیدگاه صاحب‌نظران نظام آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۱(۱)، ۱۵۱-۱۲۷.
- احمدی، غلامعلی؛ پسندیده، جواد؛ دهقان‌زاده، احمد (۱۳۹۴). فرهنگ دانشگاهی و تغییرات آن در ایران. *نشریه مطالعات آموزشی*، ۴(۱)، ۲۲-۳۴.
- امیری، علی‌نقی؛ زارعی‌متین، حسن؛ و ذوالفقارزاده، محمدمهدی (۱۳۸۹). پیچیدگی‌های فرهنگ و گونه‌شناسی مطالعات آن در آموزش عالی. *راهبرد فرهنگ*، ۱۰، ۷-۳۹.
- ذاکرحاجی، غلامرضا؛ نظریان، زهرا (۱۳۹۳). جایگاه فرهنگ دانشگاهی و الزامات نهادی علم در زندگی دانشجویی. *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۱(۳)، ۳۳-۶۹.
- ذوالفقارزاده، محمدمهدی؛ امیری، علی‌نقی؛ و زارعی‌متین، حسن (۱۳۹۰). کشف «فرهنگ دانشگاه»: واکاوی نظری و گونه‌شناختی مطالعات فرهنگ دانشگاهی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۱(۵)، ۹۷-۴۵.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۱). *موانع رشد علمی ایران و راه‌حل‌های آن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صبغیان، زهرا. (۱۳۸۸). فرهنگ دانشگاهی: یک چهارچوب پژوهشی. در م. یمینی‌دوزی، *رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی* (ص. ۹۴-۶۵). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- طائفی، علی (۱۳۷۸). فرهنگ علمی-پژوهشی ایران: بررسی قابلیت‌ها و تنگناها. *فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت*، ۲۱، ۴۷-۵۳.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). فرهنگ و دانشگاه (منظرهای انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی). تهران: ثالث.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا: مطالعه‌ای انسان‌شناختی در علل ناکارآمدی آموزش دانشگاهی در ایران. *نامه انسان‌شناسی*، ۱(۳)، ۹۳-۱۳۲.
- فلیک، اوه (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*؛ ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۶). بررسی جایگاه و سازوکارهای اخلاقیات حرفه‌گری علمی در نظام تضمین کیفیت آموزش عالی. *فصلنامه اخلاق در علم و فناوری*، ش ۱.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸). دانشگاه ایرانی و مسأله کیفیت: جستارگشایی برای نظام تضمین کیفیت آموزش عالی ایران بر اساس بررسی تطبیقی ۱۶ کشور جهان. تهران: انتشارات آگاه.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه بر پایه. تهران: انتشارات آگاه.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). تحولات نوپدید در فرهنگ دانشگاه و فضای کلاس و تأثیر آن بر تدریس: تأملی در نسل‌های پنج‌گانه دانشجو و استاد. فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی، ۴(۲)، ۱-۲۹.

قاضی طباطبائی، محمود؛ و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۷۷). بررسی عوامل مؤثر بر پیروی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های ایران از هنجارها و ضد هنجارهای علم. دانشگاه تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

قانع‌ی راد، محمدامین؛ ملکی، امیر و محمدی، زهرا (۱۳۹۳). مطالعه دگرگونی فرهنگی در سه نسل دانشگاهی: مطالعه موردی اساتید علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱، ۳۰-۶۴.

مرجائی، سیدهادی (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر درونی شدن هنجارهای دانشگاهی و حرفه‌ای در اجتماع علمی ایران - مطالعه موردی دانشجویان دکتری دانشگاه تهران. رساله منتشرنشده دوره دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران.

محسنی تبریزی، علیرضا؛ قاضی طباطبائی، محمود؛ و مرجائی، سیدهادی (۱۳۸۹). تأثیر مسائل و چالش‌های محیط علمی بر جامعه‌پذیری دانشگاهی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۵۵، ۴۵-۶۷.

موحد، سعید و عطاران، محمد (۱۳۸۹). واکاوی هنجارهای مؤثر بر انتخاب استاد راهنما در حوزه‌های محض (علوم ریاضی) و میان‌رشته‌ای (علوم تربیتی): یک مطالعه پدیدارشناختی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۴، ۹۵-۱۲۱.

مهدیه، عارفه؛ همتی، رضا؛ و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۹۵). فرآیند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری: مورد دانشگاه اصفهان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۲(۱)، ۴۵-۷۳.

- Ahmadi, Gholamali; Pasandideh, Javad; & Dehghanzadeh, Ahmad (2015). University Culture and Its Changes in Iran. *Journal of Educational Studies*, 4(1), 22-34. (In Persian)
- Amiri, Alinaghi; Zarei Matin, Hassan; & Zolfaghazadeh, Mohammad Mehdi (2010). The Complexities of Culture and Its Typology in Higher Education Studies. *Strategy for Culture*, 10, 7-39. (In Persian)
- Cortazzi, M. and Jin, L. (1997). Communication for learning across cultures. In McNemara and R. Harris (eds.), **Overseas Students in Higher Education**. London: Routledge, pp.76-90.
- Cullity, M. (2007) "Academic culture that Enthus or Intimidates MatureAge Commencers", **AARE 2007 International education research conference**: fremantle: papers collection 7

- Dehing, W. Jochems & L. Baartman (2013). The Development of Engineering Students Professional Identity During Workplace. *Engineering Education*, Vol 8, PP:42-64.
- Ebrahimi, Ronak; Adli, Fariba; & Mehran, Golnar (2015). The Role of University Culture on Knowledge Creation from the Perspective of Higher Education Experts. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 21(1), 127-151. (In Persian)
- Farasatkah, Maghsoud (2007). The Position and Mechanisms of Professional Ethics in the Quality Assurance System of Higher Education. *Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology*, 1. (In Persian)
- Farasatkah, Maghsoud (2009). *The Iranian University and the Issue of Quality: An Exploration for the Quality Assurance System of Iranian Higher Education Based on a Comparative Study of 16 Countries*. Tehran: Agah Publishing. (In Persian)
- Farasatkah, Maghsoud (2016). Emerging Developments in University Culture and Classroom Environment and Their Impact on Teaching: Reflections on the Five Generations of Students and Professors. *Quarterly Journal of Teaching Research*, 4(2), 1-29. (In Persian)
- Farasatkah, Maghsoud (2016). *Qualitative Research Methods in Social Sciences with an Emphasis on Grounded Theory*. Tehran: Agah Publishing. (In Persian)
- Fazeli, Nematollah (2003). A Comparative Study of University Culture in Iran and Britain: An Anthropological Study on the Causes of Inefficiency in University Education in Iran. *Anthropology Letter*, 1(3), 93-132. (In Persian)
- Fazeli, Nematollah (2008). *Culture and University (Anthropological and Cultural Studies Perspectives)*. Tehran: Sales. (In Persian)
- Flick, Uwe (2008). *An Introduction to Qualitative Research*; Translated by Hadi Jalili. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Ghaneierad, Mohammad Amin; Maleki, Amir; & Mohammadi, Zahra (2014). A Study of Cultural Transformation in Three Academic Generations: A Case Study of Social Science Professors at Tehran Universities. *Iranian Journal of Sociology*, 1, 30-64. (In Persian)
- Ghazi Tabatabai, Mahmoud; & Vaddadhir, Abuali (1998). Factors Affecting Graduate Students' Adherence to Norms and Counter-Norms of Science in Iranian Universities. Master's Thesis, University of Tabriz. (In Persian)
- Mahdieh, Arefeh; Hemmati, Reza; & Vaddadhir, Abuali (2016). The Process of Academic Socialization of PhD Students: A Case Study of the University of Isfahan. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 22(1), 45-73. (In Persian)
- Marjaei, Seyed Hadi (2011). Factors Influencing the Internalization of Academic and Professional Norms in Iran's Scientific Community – A Case Study of PhD Students at the University of Tehran. Unpublished Doctoral Dissertation in Sociology, University of Tehran, Iran. (In Persian)
- Maxwell, J. (2004). **Qualitative research design: an interactive approaches**. London: Sage publications.
- Mohseni Tabrizi, Alireza; Ghazi Tabatabai, Mahmoud; & Marjaei, Seyed Hadi (2010). The Impact of Scientific Environment Issues and Challenges on Academic Socialization. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 55, 45-67. (In Persian)
- Movahed, Saeed; & Attaran, Mohammad (2010). Analyzing Norms Influencing the Selection of Advisors in Pure (Mathematics) and Interdisciplinary (Educational Sciences) Fields: A Phenomenological Study. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 4, 95-121. (In Persian)
- Rafipour, Faramarz (2002). *Barriers to Scientific Growth in Iran and Their Solutions*. Tehran:

- Sahami Publishing Company. (In Persian)
- Sabaghian, Zahra (2009). University Culture: A Research Framework. In M. Yamani Doozi, *New Approaches and Perspectives in Higher Education* (pp. 65-94). Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Shen, X. & Tian, X. (2012). Academic culture and campus culture of universities. **Higher education studies**, 2(2), 61-65.
- Simplico, J. (2012). **The university culture**. Education, 336-340.
- Taifi, Ali (1999). Scientific-Research Culture in Iran: Examining Capabilities and Constraints. *Quarterly Journal of Scientific and Research Policy Approach*, 21, 47-53. (In Persian)
- Ylijoki, O. H. (2005). Academic nostalgia: a narrative approach to academic life. **Human relations**, 58, 555-576.
- Zakersalehi, Gholamreza; & Nazarian, Zahra (2014). The Position of University Culture and Institutional Requirements of Science in Student Life. *Quarterly Journal of Sociology of Social Institutions*, 1(3), 33-69. (In Persian)
- Zolfagharzadeh, Mohammad Mehdi; Amiri, Alinaghi; & Zarei Matin, Hassan (2011). Discovering "University Culture": A Theoretical and Typological Analysis of University Culture Studies. *Strategic Management Thought*, 5(1), 45-97. (In Persian)

